

بانک‌های دولتی در حدی است که اختیار را از بانک مرکزی سلب کرده است. بانک مرکزی مثلاً نمی‌تواند به بانک ملی الزام کند که عدم کفایت سرمایه را رعایت کند چون برداشت خود دولت از بانک زیاد است و دولت خودش به بانک‌ها بدهی دارد. دولت ده‌ها هزار میلیارد تومان معوقه بانکی دارد و به این ترتیب حتی نمی‌تواند ضوابط معمول حسابداری بین‌المللی را در مورد بانک‌ها رعایت کند. بنابراین دولت هم در ایجاد وضعیت نابسامان سیستم بانکی نقش دارد. دولت‌ها از بانک‌ها برای تأمین کسری بودجه استقراض می‌کنند و هم به شرکت‌های دولتی و اشخاص وابسته به سهامداران وام می‌دهد. سهامداران بانک‌های خصوصی نیز همین عمل را تکرار می‌کنند. اگر از بانک بیش از حد مجاز سرمایه و سپرده خارج شود «فساد» رخ داده است. این فساد است که قابل جرم‌انگاری و تعقیب قضایی است. در هر کشوری این تخلفات بانکی انجام گیرد سهامداران تحت تعقیب قرار می‌گیرند. ولی در ایران تخلفات بانکی تحت پیگرد قضایی قرار نمی‌گیرد. هر بانکی به این وضعیت دچار می‌شود تأمین کسری سرمایه آن به دوش دولت می‌افتد. تمام زیان‌های حاصل از این رفتار بانک‌های خصوصی و دولتی به دولت منتقل می‌شود. البته سرانجام از سرمایه مردم برای کسری منابع بانک‌ها استفاده می‌شود.

تأسیس بانک‌های خصوصی با مؤسسات مالی چقدر ناترازی‌ها را تشدید کرده است؟

نمی‌توان تأثیر تأسیس بانک‌های خصوصی را انکار کرد ولی بانک‌های دولتی قبل از بانک‌های خصوصی این مشکلات را داشتند. متأسفانه یک تصویری که در نمایندگان مجلس به وجود آمد و این بود که چون بانک‌ها دولتی هستند پس دولت می‌تواند هر دستوری به بانک بدهد در صورتی که این بسیار تصور غلطی بود. بانک دولتی یعنی سهامش دولتی است و معنی آن این است که سپرده‌های مردم در اختیار دولت است و بانک دولتی امانتدار سپرده‌های مردم است و دولت شرعاً، قانوناً و وجداناً حق ندارد دست روی سپرده‌های مردم بگذارد. نمایندگان مجلس در دوره‌های مختلف مصوباتی را گذراندند و به بانک‌ها دیکته کردند تا به پروژه‌ها یا برنامه‌هایی مانند ازدواج، فرزندآوری، مسکن، ... تسهیلات پرداخت شود. چون سپرده‌های بانکی متعلق به مردم است بدون رعایت منافع مردم نمی‌توان تسهیلات پرداخت کرد. بانک به عنوان امانتدار سپرده‌های مردم موظف است طبق اساسنامه از سپرده‌ها فقط برای مقاصد سودآور و اقتصادی هزینه کند ولی

مجلس و دولت‌ها فرض را بر این گذاشته‌اند که سپرده‌های در اختیار بانک‌ها، را می‌توان به هر عنوانی هزینه کرد. دستور پرداخت وام قرض‌الحسنه، وام بدون بهره، وام به پروژه‌ها و انواع دیگر تسهیلات خارج از اختیارات دولت و مجلس است. اما این پرداخت‌ها به بانک‌ها تکلیف می‌شود و نتیجه آن ناترازی است بانک‌ها از مردم سپرده گرفته و به آنها تعهد داده‌اند که سود سالانه به سپرده تعلق بگیرد ولی همین سپرده‌ها را به صورت وام قرض‌الحسنه یا کم بهره به اشخاص خاص پرداخت می‌کنند. نتیجه پرداخت تسهیلات تکلیفی وضعیت فعلی بانک‌هاست که ادامه آن عاقبت وحشتناکی در کشور در پی خواهد داشت.

تخلفات مؤسسات و ادغام آنها در بانک‌ها نیز دلیل دیگری برای ناترازی است. مؤسساتی تأسیس شد که از سپرده‌های مردم وام‌های کلان پرداخت کردند بعد ورشکسته شدند. سپرده از مردم گرفتند به اسم اینکه مثلاً می‌خواهیم سرمایه‌گذاری کنیم. البته سرمایه‌گذاری بیشتر صرف خرید ملک شد. مؤسسات نتوانستند املاک را بفروشند و تعهدات خود به مردم را بپردازند. بعد از ورشکستگی مؤسسات در بانک‌ها ادغام شدند. در یک مورد، مؤسسه مالی که در سبزوار تأسیس شده بود ۱۲ هزار میلیارد تومان از مردم سپرده گرفته و تمام سپرده

را سهامداران برداشت کرده بودند. با اینکه بانک مرکزی هیچ تعهدی برای پرداخت بدهی مؤسسات به مردم نداشت اما در دهه ۹۰ نزدیک به ۳۰ هزار میلیارد تومان از منابع بانک مرکزی با ایجاد نقدینگی، به مؤسسات پرداخت شد. مؤسسات منحل شدند و در دراز مدت ظرف ۱۰ سال به تدریج توانستند بخشی از منابع بانک مرکزی را برگردانند اما کل بدهی‌ها تسویه نشد. مثلاً بانک قوامین با کسری ۷۰ هزار میلیارد تومانی به اضافه هزار نیروی انسانی مازاد در بانک سپه ادغام شد. بانک سپه تا سال‌های سال گرفتار وضعیت بدهی مؤسسه قوامین خواهد بود. یا مؤسسه اعتباری نور که در بانک ملی ادغام شد. همین زیان‌ها و ناترازی‌ها به بانک ملی منتقل شد. مؤسسات و صندوق‌های قرض‌الحسنه ضوابط بانکداری را رعایت نکردند و در حقیقت بانک را وسیله‌ای برای سوءاستفاده و فساد خود قرار دادند.

رقم مطالبات معوق بانک‌ها چقدر است؟

قاطعیت و اختیار بیشتری برای بانک مرکزی لازم است تا قوانین بانکی رعایت شود. در مورد مطالبات معوق، بانک‌ها نظاماتی دارند که اگر براساس آن نظام عمل نکنند میزان معوقات مشخص می‌شود. با توجه به مدیریت اجرایی که سال‌ها در سیستم بانکی تجربه کردم رقم واقعی معوقات بانکی بسیار بیشتر از آن رقمی است که اعلام می‌شود. برآوردها نشان می‌دهد حدود ۳۰ درصد مطالبات بانک‌ها معوق شده است. اما حسابرسی‌ها این ارقام را اعلام نمی‌کند چون سهامدار بانک‌های دولتی، دولت است و سازمان حسابرسی هم دولتی است. هر روز رقم وام‌هایی که دولت، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی از بانک‌ها می‌گیرند افزایش پیدا می‌کند. دولت تمام کسری بودجه را از طریق بانک مرکزی یا بانک‌های دیگر تأمین می‌کند. یکی از عوامل مهم کسری بودجه دولت، صندوق‌های بازنشستگی هستند. حدود ۲۰ صندوق بازنشستگی در کشور داریم که اغلب از عهده تعهدات‌شان بر نمی‌آیند. منابع دو صندوق بازنشستگی اصلی مانند تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری، برای پرداخت حقوق بازنشسته‌ها و پرداخت هزینه درمان کافی نیست. برای اینکه سیستم صندوق‌های بازنشستگی دچار فروپاشی نشود دولت منابع را از بانک‌ها می‌گیرد و به صندوق‌ها تزریق می‌کند.

به تسهیلات تکلیفی مانند تسهیلات ازدواج، فرزندآوری، مسکن ... اشاره کردید و معتقدید نباید پرداخت این



دولت‌ها از بانک‌ها برای تأمین کسری بودجه استقراض می‌کنند و هم به شرکت‌های دولتی و اشخاص وابسته به سهامداران وام می‌دهند. سهامداران بانک‌های خصوصی نیز همین عمل را تکرار می‌کنند. اگر از بانک بیش از حد مجاز سرمایه و سپرده خارج شود «فساد» رخ داده است. این فساد است که قابل جرم‌انگاری و تعقیب قضایی است

